

برخورد هنرمندانانه، هوشمندانه و درعین حال شوخ طبعانه نویسنده ما بکایاک عنصر رمان را می‌توان از همان نخستین مرحله مواجهه با متن، یعنی عنوان، برای انتخاب شده برای فصل های رمان، مشاهده کرد. رمان ۴۲ فصل و حدود ۵۰ شخصیت دارای ۲ وجه بیرونی شخصیتی، یعنی گفتار و کردار (یا به قول دوستان تئاتری: دیالوگ و اکت) دارد که نام آن ۲۹ تا از آن ها، چه به صورت ساده و چه با توصیفاتی شده است مانند «سرگردانی»، «سِرگرد» یا «میراج میجر میجر». شونده است عنوان بیشتر فصل های رمان، تا یام ند نرفته عرض کنم که 'Major' یعنی «سرگرد» و عنوان فصل نهم رمان، در زبان اصلی، چهاربار تکرار همین واژه است برای سربازی که نام، نام خانوادگی و حتی نام میانی اش «میجر» است. همچنین، نام گذاری فصل ها در مواردی نشان دهنده ارتقای نظامی یکی از شخصیت هاست؛ مثلا عنوان فصل هشتم «ستوان شاپزیکوف» است و عنوان فصل سی و هفتم «ژنرال شاپزیکوف»، و چند بارمه است این نظامی عاشق رژه که ظاهر آنها کاری که بلد است، چیزی نیست جز طراحی و اجرای رژه.

او اما شخصیت اصلی رمان که حیف است بدون اشاره به او  
این متن را تمام کنیم: یوساریان، سروانی آمریکایی است که  
- مشابه نویسنده یمن - به عنوان مبدا انداز همراه هواپیمای  
باز آفتن به ماوریت می‌رود و در سراسر مافیک قد غنچه  
بیشتر ندارد؛ زنده ماندن و برگشتن به خانه را فاکت یوساریان  
سرهنگی است به نام «کت‌کارت» که هرچند خوش تاکنون  
فقطقق دور با ماوریت رفته است (کاز تزه یکی از آن‌ها برای  
سازدن به باز سیاه آب سرگردن در ناپل بوده!) (۴۴۴).  
سردم درحال افزایش تعداد ماوریت‌های لازم برای ترخیص  
افراد تحت امرش و از جمله یوساریان بی‌نواست. این تعداد،  
در آغاز رمان برابر ۲۵ است و این در حالی است که یوساریان  
۲۲ ماوریت انجام داده است. اما هنگامی که یوساریان تعداد  
ماوریت‌ها هایش را (که در هر یک از آن‌ها مرگ را از نزدیک  
ملاقات می‌کند)، به ۴۴ افزایش می‌دهد، سرهنگ کت‌کارت  
تعداد ماوریت‌های لازم برای ترخیص را ۵۰ اعلام می‌کند و  
همین‌طور تا انتهای رمان، پنج پنج‌تایی تا تعداد آن‌ها می‌افزاید.  
به‌گونه‌ای که در اواخر رمان (۵۹۹)، یوساریان با اینکه ۷۰ بار با  
هواپیمای جنگی پرواز کرده (حالب است که نویسنده، خودش،  
در جنگ جهانی دوم به ماوریت پروازی انجام داده است)،  
همچنان ترخیص نمی‌شود. ظاهراً همین دور باطل (یا همان  
circular reasoning که پس از انتشار این رمان شده است  
معادل «تبصره ۲۲» است که سبب می‌شود یوساریان یکی از  
ماندگارترین جملات رمان

تیسرہ ۲۲» نوشتہ جوزف  
ہلر۔ ترجمہ احسان  
نوروزی۔ نشر چشمہ،  
۵۱۸ صفحہ، ۴۲۰ ہزار تومان۔

مدخل

## ز تازه‌ترین عناوین نشر در روزهای گذشته چه خبر؟

شیللی در حال افتادن به دامان سوسیالیسم و نوینسم بود که در سال ۱۹۷۴ گوستو پی‌نوشه، سالوادور آنده را سرنگ کرد و اوضاع را تغییر داد. به‌مان‌طور که عنوان فرعی «دستاویس پیران شیگاکو» سقوط تئولیریسیم» نشان می‌دهد، در این زمان، فارغ التحصیلان شیلپلیا دانشگاه آریکایی سرزمین لیبرالیسم بازگشتند و در دوره بعد اقتصاد کشور خودشان را روسمانان دادند. به نظر می‌رسد که هر مردم می‌بایست از این اتفاقات راضی بوده باشند، اما برخی عوامل مانع از این می‌شد. از این فتنه رولف دوردرز، یکی از آن فارغ التحصیلان، تا حدی می‌شود که این عوامل پی برد، «من و اهل‌ها به نابرابری اهمیتی

«مرزا و راجه ها». نوشته ملیسا اربن، ترجمه عاطفه رفقای، نشر میلکان، ۳۵۱ صفحه، ۲۸ هزار تومان.

زنگنه از روابط با آدم‌ها گوناگون استفاده کرده و نتایج جالبش بسیاری را بدست می‌آورد - که فعال اجتماعی است و آثار فروش کم ندارد - در این کتاب مقبول روی همین موضوع دست گذاشته است و می‌خواهد این آیه بگوید که با دموکرات‌ها شدن در رابطه و یا پابندی به آن‌ها چگونه می‌توان زندگی سوده‌ای داشت و اگر دیگران این مرزا را نادیده بگیرند، بهترین واکنش در برابر آن‌ها چیست. چنان‌که خود کتاب آمده است: «مرزاه‌به این منظور ساخته شده اند که دیگران کنند بدین‌ها در مقابل رفتار یا راه‌های ایمن یا بدی که واکنشی داشته باشد».

مذکور به اروپا راه پیدا کرد و طلیطله [= تولدوا]،  
بزرگ‌ترین مرکز ادبی اروپا، از نخستین  
شهرهای اروپایی بود که کاغذ را ساخت.  
سوندال، «تاریخ کتاب از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر»،  
ترجمه محمد علی خاکساری

بشنهاد  
روز

## پیر رسیدن به خوشبختی

## زیست نامه غریب رمبو

فرشته شعله در بیتِ «تعبید»، نوشتهٔ احسان مهدی، نشر چشمه ۱۳۶۴، صفحه ۳۸ «هزار تومان»  
در هجدهم آذرماه گذشته در همین صفحه، کتاب «فصلی» از شاعر و پژوهشگر فرانسوی، بهرام معرفی نریز، اکنون، کتاب «فرشته شعله» را به تالیف - بهرام ایادی - به چاپ رسانیده است که زندگی شاعر باغی و طغیانگر را که در سن کم با شعر و کلمه هایش غوغا به پا کرد و خیلی زود از آن دوری کرد، روایت می‌کند. این اثر، به نوعی زندگی نامه شاعر است. سخنور مدتی می‌شود، با نام‌های گوناگون «فرشته شعله» را در دست گرفته است. «زیست نامه غریب آرتورو رمبو» از جلد درج شده است - «زیست نامه غریب آرتورو رمبو»، مهدی که خودش شاعر است، پیش از این کتاب هابی درباره گویندگان بزرگ جهان منتشر کرده است.

## ییتی از سفر به امپراتوری شوروی

«ری»، نوشته ریشارد کاپو شچینسکی ترجمه راضیه نشر ماهی، ۳۴۰ صفحه، ۳۵۰ هزار تومان.

شرح سیروس سیاحت های یک مورخ و روزنامه نگار در امپراتوری شوروی است. یا - به بیان دیگر - شت هایی از دوران استالین تا یلتسین». کتاب خلاف آنچه از ظاهرش برمی آید، یک اثر تاریخی نویسنده، خودش به این نکته اذعان دارد و



برای دوستان جان رافدا کن  
ولیکن دوست از دشمن جدا کن  
که باشد دوست آن یار خدایی  
دلش روشن به نور آشنایی

نویسنده های جوان، اگر به این چند چیز توجه نداشته باشند، وقت خودشان را تلف می کنند؛ زیبایی شناسی، اعتراض و شک؛ این سه اگر در نویسنده وجود نداشته باشد، باید پرود سراغ کار دیگر. اگر هم بدون این داشته ها اثری خلق کند، ماندگار نخواهد شد.

صادق کریمار، در آیین رونمایی از کتاب «اینجا جای خوابیدن نیست»:

نخوری. صورت زیبایی شناختی این گزاره چطور می‌شود؟ اگرچه منوچهری می‌گوید: «خزید و خز آنکه هنگام خزان است» این تکنیک باعث می‌شود یک کلام بسیار ساده و ابتدایی به یک مصرع هنری ماندگار تبدیل شود. بنابراین، تکنیک مهم است.

امان چیزی که برای نویسنده جوان مهم است و درآوردن آن را می‌توانیم. این است که نویسنده نمی‌تواند معترض نباشد نویسنده اگر به چیزی اعتراض نداشته باشد. نویسنده نیست اصلاً نویسنده به همه چیز اعتراض است. باید این اعتراض را از زاویه دیدی که به جهان دارد، نشان

برای عده‌ای که خوششان می‌آید. من به ایشان عرض کردم که بچه‌ها اول باید داستان را بفهمند، داستان معاصر دنیا را بفهمند، گذری بر این داستان نکنند و بعد داستان نویس شوند؛ بعد، اگر ما توانستیم، «داستان رضوی» شکل می‌گیرد.

● صادق کرمیار:

نویسنده همیشه مقترض است

پایه و اساس روایت و داستان در خراسان است. هویت ایرانی و ملی ما در «شاهنامه» است و «شاهنامه» تنها کتابی است که توانسته هویت ملی را نگه دارد، راوی خراسانی است که از قرن چهارم تا الآن ما را نگه داشته است. از زمانی که «شاهنامه» نوشته شد، تارقن هفتم، تقابیل از نظامی، هرکس می خواست، کتابی بنویسد، الگویش «شاهنامه» بود. خراسان چنین الگوهایی دارد. الان هم نویسندگانی همچون آقای دولت آبادی را داریم که می توانند الگوی نویسندگان جوان باشند.

امادرباره داستان چند نکته را می خواستم بگویم. یکی تکنیک است. اگر تکنیک نباشد، هیچ کلامی زیبانی نمی شود. به عنوان مثال، گزاره ساده ای داریم و می گوئیم در فصل پاییز لباس گرم بپوش که سرما

سیاست ما را می سازد، و هر آنچه در زندگی داریم، درگیر خلق روایت است. فکر نمی کنم در زندگی معاصر جایی را داشته باشیم که بتوانیم بگوییم روایت و داستان در آن نقش نداشته است. پشت همه هنرهای موجود، یک روایت و داستان است؛ عکاسی روایت می بیند و ثبت می کند، همین طور فیلم سازان، موسیقی دان، نقاش و... کشور ما باین همه پیشینه و فرهنگ، چرا هنوز دارای یک سبک و ویژه در ادبیات داستانی معاصر نیست؟ این میساست نمی شود مگر از گذر فهم داستان جدید در دنیا، از فهم داستان معاصر، آنچه در این چند قرن گذشته در ادبیات رخ داده است، چه در زمان چه در داستان کوتاه

«عصر داستان» این طور و این انگیزه  
شکر گرفت. وقتی خانم ششکری به جوامع  
مادر مؤسسه اسحاق شد، از ایشان خواست  
صریحی برای راه اندازی جلسات داستان  
ارائه کند. طرحی با نام «عصر داستان»  
رضوی «روی» نام روی «رضوی» این خط  
کشیدم. برای آنکه به ضروری که مفاهیمی  
دینی را انتقال می دهد، اعتقادی ندارم.  
بلکه به این دلیل که فکر می کنم اگر هنر را  
به سفارش تبدیل کنیم، دیگر هنر نیست.  
هنر از خلق می گذرد، وقتی واژه هایی مانند  
«رضوی» را کنار داستان های گذریم، به  
خلق نمی رسیم، به سفارش می رسیم.  
می آیم که داستان رضوی بنویسیم

خادم

آیین رونمایی از کتاب  
«اینجا جای خوابیدن  
نیست» شامگاه ۶ تیرماه  
در مؤسسه آفرینش‌های

هنری آستان قدس رضوی برگزار شد. این جشن شامل بازی‌های داستانی کوتاه از اعضای «کتاب‌های صحرای داستان» است؛ همچنین که حدود یک سال و نیم پیش کارش را آغاز کرد. در این مراسم امیرمهدی حکیمی، مدیرعامل مؤسسه آفرینش‌ها و صادق کریمیار، نویسنده و کارگردان، سخنرانی کردند. حکیمی در سخنانش روایت و داستان را تنیده در تمام شئون امروز ما معرفی کرد و خودم برای اینکه بتوانیم داستان‌های گذشته را خلق کنیم، باید مسیر داستان در دنیا را دنبال کنیم. کریمیار نیز از سه چیز سخن گفت که نویسنده بدون داشتن آن هیچ نخواهد توانست اثری خوب خلق کند. این سه عبارت‌اند از زیبایی‌شناسی، اعتراض و شک. آنچه در ادامه می‌آید بخش‌هایی از سخنان این دو تن است.

● امیرمهدی حکیمی:

هنر سفارشی، دیگر هنر نیست

حدود یک سال ونیم از تولد «عصر داستان» گذشته است و امروز کتابی را رونمایی می‌کنیم که حاصل زحمت یک سال نویسندگان آن است.

روزگار ما روزگار داستان و روایت است. همه شئون زندگی ما با روایت و داستان در هم تنیده شده است. روایت برای ما زندگی می‌سازد، روایت مصرف ما را می‌سازد،

